

چه شد که این سرزمین چنین شد؟



امروز نه طریقه تربیت پنجاه سال پیش و سیصد سال پیش بکار می‌آید نه شیوه تربیت عهد خواجه نصیرالدین طوسی و فردوسی و رودکی و انوشیروان و داریوش . روش تربیت امروزی ما ، بی‌مقصد ملی فارسی برانداز و آلوده بزبان انگلیسی ، خود مضرت و باعث ضایع شدن پول و وقت چون که نه آموزنده کامل فرهنگ ملیست نه معرف اندیشه‌های عمیق و فکرهای لطیف شورانگیز دیگران ، راهنمون بجلوگاه آفریده فکر و زبان فعال و آزاد .

نه تربیت امریکائی مناسب و موافق مصلحت این ملتست نه تربیت فرانسوی یا انگلیسی یا آلمانی ، باری ، بحکم عقل و تجربه ، ایران طریقه تعلیم و تربیتی می‌خواهد استوار بر اصول پایدار قوانین بی‌زمان و مکان تربیت ، پرورده استقلال فکر و کشف بهترین راه استفاده از جمیع وسائل و عوامل و قوای ملی برای تعلیم و تربیت همه ایرانیان نهمشتی یا طبقه‌ای از ایشان . این نیز گفته شود که امروز دیگر هیچکس در حسرت حجره‌های نمناک پر از موش و ساس مدرسه‌های قدیم نیست و مصلحت بینان همه‌متفقند که این مدارس را نباید کم گرفت که هر یک پیوسته بدان‌شکاه‌یست قدیم ،

یکی از دو قرن پیش ، دیگری از نه قرن پیش و مدرسه فخریه سبزوار که ویرانش کرده‌اند از هزار سال پیش در این مدارس باید روحی تازه دمید و از سر لطف ، نه باتندی و خصومت ، در کار کتاب و معلم و مدارس و طلبه‌اش امعان نظر باید کرد و این دستگاههای موجود را هم باید پس از رفع نقصها ، مؤید تربیت ملی این کشور کرد ، کشوری که محتاج انواع مددهاست .

حقایق را پنهان نکنیم . بگوئیم تا بدانند که این ملت دو هزار و پانصد ساله در چنگال علم و تمدن و قدرت فرنگی نه چندان مرعوب شده است که بوصف آید . از گفتار و کردار ما هر چه خوبتر هویداست که سرگردان شده‌ایم و سراسیمه و نگران و در خوبی هر چیز شك آورده‌ایم . بجای آنکه بشنیدن خبر هر پیشرفت که نصیب دیگران شده است بر میراث ملی خود بیفزائیم و آن را برای پیشرفت خویش آراسته‌تر کنیم دائم از آن میکاهیم . بعضی از خواص ما علم را دشمن فکر و امور معنوی پنداشته‌اند . میگویند که شعر بچه کار می‌آید و گاوگازین روسی نخستین فضاورد عالم در سماوات شعر پوشکین میخواند . بر ادبیات میخندند و تا روزی که از میان هزاران هزار مقاله و رساله و کتاب علمی يك جمله غلط نشان نهند باید بر کسانی خندید که معنی ادبیات و پیوستگیش را با علم ادراک نکرده‌اند و این نکته ساده را نفهمیده‌اند که علم هم مثل آدمی لالست اگر زبان ندارد .

استقلال فکر در کار تربیت ملی ما نخستین شرط لازمست و تقلید نشان کاهلیست و موجب زبان - تربیت ما هر چه بظاهر بتربیت امریکائی یا فرانسوی یا هر تربیت دیگر شبیه‌تر از اصول کلی تربیت دورتر و هر چه با اصول مسلم تربیت نزدیکتر ، ممتازتر و بهتر و این موافق کردن روش تربیت با اصول آن جز بدمد استقلال فکر ممکن نیست . اگر تژاد و زبان و دین و مذهب و اوضاع و احوال جغرافیائی و اجتماعی و اقتصادی و علی‌الخصوص مرحله‌های مختلف تمدن و فرهنگ هر ملت و منظورهای گوناگون هر ملت از تربیت همه را باید در تربیت ملی مؤثر گرفت پس تربیت هیچ ملتی نباید مثل تربیت ملت دیگر باشد و هر چند اصول تربیت در همهجا و در همه وقت باید پایدار باشد هم بحکم این اصول مظاهر آن یکسان نیست و نمیتواند بود که هر ملتی را در هر مرحله‌ای سیاستی دیگر و احتیاجی دیگرست .

دستگاه بیهمتای علوم و فنون فرنگی مرکب از چند هزار مدرسه و دانشگاه و کتابخانه و آزمایشگاه و هزاران معلم و استاد و چند میلیون شاگرد با همه عظمتی که دارد بی‌نقص و عیب نیست .

آنچه در نوشته‌های فرنگی درباب رفتار عجیب و ناپسند بسیاری از دختران و پسران درج است هر خواننده صاحب‌نظر را در این فکر فرو میبرد که اگر حاصل تعلیم و تربیت جدید فرنگی این نافرمانی و فسق و فجور و فحشاء روزافزوست پس در خوبی این تربیت شک باید کرد، شک عظیم و هم بمدد استقلال فکرت که میتوان از فوائد بی‌شمار روش تعلیم و تربیت فرنگی برخوردار و از مضار آن برکنار بود.

چه شد که این سرزمین چنین شد؟ ایران یگانه مملکتی بود در سراسر عالم که تا چهل پنجاه سال پیش از این درهر شهرش دانشگاهی بود و هم‌اکنون در اکثر بلاد مهم این کشور دانشگاههای قدیم هست و هر يك را نقصهاست اما ناقص را معدوم نباید پنداشت. دانشگاه خوددستگاهيست ساخت ایران و امروز کار ما بجائی کشیده است که گاهی مشاوران کم‌دانش فرنگی بهمدستی بامشتی ایرانی بیخبر از اصول تربیت برای این ملت برنامه مردم فریب مینویسند، برنامه‌ای که بخواندن کلمات و مواد و تبصره‌هایش هر زیرکی خواهد دید که چگونه انگلیسی یا زبانهای دیگر خارجی فارسی را و فروع اصول را خورده‌اند. این ساده لوحان اصول و ازگان را نادیده میگیرند و ایران را، این ایران دانشگاه آفرین را باکشورهای نو استقلال نو فرهنگ اشتباه میکنند و غافلند از این نکته که همه خواص ایرانچندان که ایشان تصور کرده‌اند از کار این ملت غافل نیستند.

تربیت ما از عهد کورش تا امروز بارها میان اوج و حضيض سیرها نموده و تحولات داشته اما پیوند هرگز پاره نشده است. نه غره‌شویم با آنچه بوده‌ایم نه مأیوس و مرعوب باشیم که از علم و فرهنگ فرنگی ترسیدن همان و پیش از مرگ مردن همان.

در تاریخ هرملت قدیم فراز و نشیب بسیارست. از عیوب کار ما یکی اینست که غالباً فصل آخر کتاب تاریخ فرنگ را میخوانیم.

امعان نظر در کتاب تاریخ از اول تا آخر، هم معرفت آموزست و هم امیدبخش. در ایامی که حافظ در شیراز بعضی از عمیقترین و لطیف ترین افکار بشری را بخوبترین زبان شعر عالم بیان میکرد در اکسفورد، هم دراین دارالعلم مشهور آفاق، اهل شهر شاگردان و اهل فضل همه را کشتند و دانشگاه را بستند و تا پادشاه انگلیس بخونخواهی برنخاست آتش فتنه خاموش نگشت. هم در عهد عزیز حافظ بود که در کمبریج نیز انقلابی

پدیدار شد و خلق اوراق و اسناد دانشگاه را از میان بردند و این خصوصیت میان اهل دو شهر اکسفورد و کمبریج با این دو دانشگاه بزرگ انگلیس سالها باعث آشوب و جنگ وجدال بوده است و در بعضی از این جنگها گرز و شمشیر و تیروکمان و تفنگ و سلاحهای دیگر بکار میبرده‌اند و نکته دانستنی آنکه تقصیر همیشه بر گردن اهل شهر نبود. بعضی از استادان آشوبگر و کینه‌ورز بودند و اکثر شاگردان عیاش و نافرمان و فتنه‌جو.

طب فرنگی که از چهار پنج قرن پیش ترقی نموده و پیشرفت نمایان خود چنین مایه حیرت شده است بگفته دانشمندان فرنگ ، سیزده قرن ، هزار و سیصد سال در تنزل بود . اما پانصد ششصد سال از این مدت دراز را باید دوران عظمت و کمال طب در ممالک اسلامی ، علی‌الخصوص ایران شمرد ، عظمتی و کمالی که منظور همه دانشمندان شد و طب‌آموز ایشان گشت .

ملتهای کم‌سابقه در فرهنگ نیز بهمت بلند و بمتابعت از اصول بجای تقلید از مظاهر ، در مدتی کوتاه پیشرفت بسیار کرده‌اند . از عهد میخائیل لومونوزوف پدر ادبیات جدید روسی دوست سال هم نمیگذرد و میخائیل خراس ، هم روسی ، هم‌عصر فتحعلیشاه و پوشکین شاعر و نویسنده بزرگ تا عهد محمدشاه قاجار هم زنده بود . در سال ۱۷۲۶ میلادی در روسیه دانشگاهی باز کردند اما بعلت نبودن شاگرد آن را بستند .

با اینهمه هرچند بعضی از خواص روسی چندان مجذوب تمدن و فرهنگ غرب شده بودند که در نگاه داشت رسوم و آداب روسی در شك افتاده بودند عاقبت ملت روس عزم کرد که هرچه تمامتر روسی بماند و علم و فرهنگ دیگران را بتدریج بیاموزد و آنچه سازگار و مناسب باشد همه را جزء فرهنگ خود کند . چنین کرد و چنین شده است که می‌بینید و امروز روش تربیت روسی علی‌الخصوص پرورش طفل چنانکه در کودکانها و دبستانهای جماهیر شوروی معمولست بخوبی و کمال مشهور عالمست .

پس ملت ایران با این سرمایه تمدن و فرهنگ ملی کم‌نظیر که دارد بمدد وسائل جدید در مدتی قلیل پیشرفتهای نمایان میتواند کرد بشرط آنکه در امر تربیت بحث بزرگ پیش‌آید تا بیهوده و بی‌مطالعه و بهوی وهوس کاری نکنیم که سخت پشیمان شویم .